گزارش

وقتی خیابان‌ها به فریاد آمدند

اگر قرار باشد قهرمانی در اروپا برای اعتراض‌های خیابانی اعلام شود، فرانسه و یونان برنده این قهرمانی خواهند بود؛ کارگران و اتحادیه‌ها در این دو کشور پیشتاز اعتراض‌ها در اروپا بوده‌اند. دولت «نیکلا سارکوزی» رئیس‌جمهوری فرانسه در صف مقدم دیگر دولت‌های اروپایی و در راستای جبران کسری بودجه و بحران بدهی، اصلاحاتی در امور مستمری‌بگیران و بازنشستگان اعمال کرد که این سیاست‌ها خشم فرانسوی‌ها را برانگیخت و اتحادیه‌های کارگری، تظاهرات‌های مختلفی را در شهرهای گوناگون این کشور برگزار کردند. کارکنان سرویس‌های خدمات عمومی فرانسه نیز به این تظاهرات‌ها پیوستند و یکی از پیامدهای این اعتصاب‌ها و تظاهرات‌ها، اختلال جدی در روند سوخت‌رسانی در فرانسه و کسری سوخت در خطوط هوایی و راه‌آهن بین‌شهری این کشور بود. فرانسه که یکی از مرفه‌ترین کشورهای جهان محسوب می‌شود برای چند روز عملاً فلج شد ولی می‌توان گفت این «به خیابان آمدن‌ها» به اصلاحات مستمری‌بگیران فرانسوی کاری ندارد و بیشتر به نظام سرمایه‌داری مرسوم در جهان بازمی‌گردد. بحران در فرانسه یکی از نمونه‌های مشکلات اتحادیه اروپا به دنبال بحران افزایش بدهی و کسری بودجه بوده است. همان طور که کارشناسان پیش‌بینی کرده بودند اعتصاب‌ها در فرانسه به کشورهای دیگر اروپا نیز کشیده شد و موجی از ناآرامی اروپا را فراگرفت. بیشتر کشورهای اروپایی از انگلیس و ایتالیا گرفته تا جمهوری‌چک و یونان با اعتصاب‌ها و تظاهرات‌های گسترده به سیاست‌های ریاضت اقتصادی دولت‌های خود اعتراض کردند. در فرانسه، اسپانیا، یونان، بلژیک و ایرلند موج اعتراض کارگران، اتحادیه‌ها و مردم عادی به تدابیر سختگیرانه دولت‌ها در راستای کاهش کسری بودجه و بحران بدهی، سران این کشورها را نگران کرد. در یونان تظاهرات گسترده‌ای برگزار شد و در اسپانیا نیز حدود ۱۰ میلیون تن در اعتراض به سیاست‌های دولت اعتصاب کردند. بر اساس آمارها، میزان بیکاری از سال ۲۰۰۸ در اسپانیا دوبرابر شده است. این تحول چشمگیر برای کشوری است که زمانی یکی از بزرگ‌ترین ایجادکنندگان شغل در اروپا بود. تقلای دولت برای کاهش کسری بودجه با وجود مشکل بیکاری پیچیده‌تر شده است. لندن نیز مانند پاریس شاهد تظاهرات صدها تن از کارگران علیه سیاست کاهش دستمزدها بوده است. در «دوبلین» پایتخت جمهوری ایرلند نیز ده‌ها هزار تن در اعتراض به برنامه صرفه‌جویی‌های دولت، دست به راهپیمایی زدند؛ صرفه‌جویی‌هایی که افزایش مالیات‌ها و کاهش هزینه‌های عمومی از جمله آنهاست. اتحادیه‌های کارگری در ایرلند که این تظاهرات‌ها را ترتیب دادند، اعلام کردند برنامه چهارساله صرفه‌جویی دولت، موجب بیکار شدن ۹۰ هزار تن خواهد شد. اما پس از بروز بحران مالی در جهان، برخی کشورها بسته محرک مالی را برای رهایی از این بحران به اقتصاد خود تزریق کردند و پس از مدتی نشانه‌هایی از بهبود شرایط اقتصادی در کشورها مشاهده شد. با این حال در چند ماه اخیر بروز بحران مالی مجدد در اروپا، اقتصاددانان و مقام‌های ارشد کشورهای اروپایی

را به شدت نگران کرده است. موج بحران بدهی و کسری بودجه چند کشور اروپایی را فرا گرفت و به این ترتیب مقام‌های ارشد این کشورها به سرعت در راستای مقابله با این بحران دست به کار شدند. آنها اعلام کردند مجبورند برای رهایی از بحران بدهی و کسری بودجه تدابیری اتخاذ کنند که برای مدتی ممکن است مردم این کشورها با شرایط سختی روبه‌رو شوند. اما مردم این کشورهای اروپایی چندان به این طرح‌های دولتی روی خوش نشان ندادند و معتقد بودند دولت‌های اروپایی می‌خواهند با سختگیری به مردم بر ناکامی و ناکارآمدی خود در اداره این کشورها سرپوش بگذارند. دولت‌های اروپایی در واقع می‌خواهند با واگذار کردن فشارهای ناشی از بحران بدهی و کسری بودجه بر دوش کارگران و مردم عادی این کشورها از طریق افزایش مالیات، کاهش درآمدهای عمومی، افزایش سن بازنشستگی و کاهش مزایای مستمری‌بگیران تا حدودی خود را از این بحران خارج کنند. اکنون دولت‌های اروپایی زمینه‌ای را به‌گونه‌ای فراهم کرده‌اند که به واسطه آن شرکت‌ها بتوانند برای کاهش پرداختی‌های خود تعدیل نیرو کنند. دولت‌های اروپایی در بحبوحه بحران بیکاری در اروپا و جهان نه‌تنها اقداماتی در راستای اشتغال‌زایی انجام نداده‌اند بلکه با سیاست‌هایشان امنیت شغلی را نیز از بین برده‌اند و نرخ بیکاری در بحبوحه این ناآرامی‌ها در اروپا رو به افزایش است و این می‌تواند پیامدهای بسیاری برای دولت‌های اروپایی داشته باشد. این تدابیر سختگیرانه برخی دولت‌های اروپایی پس از آن اتخاذ شد که اکثر سران قاره سبز از سیاست‌های بانکداری امریکا تقلید کردند و در این میان، مقام‌های امریکایی نیز نتوانستند نگرانی‌های خود را نسبت به بروز ناآرامی‌ها و اعتصاب‌های شبیه فرانسه در خاک امریکا پنهان کنند. آنان نگران هستند که با توجه به شرایط اقتصادی امریکا، افزایش نرخ بیکاری و خشم مردم این کشور نسبت به وضعیت معیشتی خود و اتخاذ سیاست‌های سختگیرانه از سوی دولت «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری امریکا موجی از ناآرامی و اعتصاب سراسر امریکا را فرا بگیرد. در ماه‌های اکتبر و نوامبر، سیاست مالی بانک فدرال امریکا به داغ‌ترین موضوع بحث محافل اقتصادی اروپا تبدیل شد و بانک فدرال امریکا در همین زمان اعلام کرد تصمیم دارد تا میانه سال ۲۰۱۱ میلادی، ۶۰۰ میلیارد دلار دیگر از اوراق قرضه دولتی را بخرد. هدف از این کار، تزریق پول برای چرخش بهتر بازار داخلی اعلام شد. به‌رغم بسته نجات ۷۰۰ میلیارد دلاری دولت اوباما، کارشناسان اعلام کردنداحتمال دارد بازار داخلی ایالات متحده امریکا، در نتیجه کاهش تقاضا، به مرحله شکست زنجیره‌ای قیمت‌ها برسد. کارشناسان و محافل اقتصادی اروپا، در واکنش به سیاست بانک فدرال امریکا، ابراز نگرانی کردند که این سیاست ممکن است در کوتاه‌مدت به رونق نسبی بازار داخلی امریکا کمک کند، اما در درازمدت اثرات بدی برای اقتصاد جهان خواهد داشت.

منبع: ایلنا

مسکو به دنبال جای پای محکم در دهلی است

فرصت‌طلبی روسی با لهجه هندی

اردشیر زارعی‌قنواتی

هند در ماه‌های اخیر میزبان قدرت بزرگ جهانی بوده است و صف مهمانان برای عقد قراردادهای اقتصادی و نظامی به نظر می‌رسد که پایانی ندارد. این کشور درهای روغن‌خورده خود را به روی کسانی باز کرده است که هر کدام در جهان امروز برای خود وزنه‌ای به حساب می‌آیند. نکته جالب در این بین حضور پنج قدرت دارای حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد در دهلی است که نشان می‌دهد موقعیت ژئوپولتیک و ژئواکونومیک این کشور در محیط جدید بین‌المللی در بهترین شرایط ممکن به رسمیت شناخته شده است. دیدار «دیوید کامرون» نخست‌وزیر بریتانیا، «نیکلا سارکوزی» رئیس‌جمهوری فرانسه، «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری امریکا، «ون جیابائو» نخست‌وزیر چین و «دیمیتری مدودف» رئیس‌جمهوری روسیه از هند طی چند ماه اخیر، جدا از اهمیت قضیه گویای یک رقابت بین‌المللی جهت تثبیت موقعیت این بازیگران در یک محیط در حال رشد و شکوفایی خواهد بود. سیاست تعامل بین‌المللی و همکاری‌های دوستانه با تمامی اضلاع قدرت جهانی از سوی رهبران دهلی با توجه به موقعیت ویژه و بازارهای بکر این کشور ترسیم یک کیک خوشمزه‌ای از این کشور است که همگان خواهان گاز زدن به آن بوده‌اند. در هر کدام از این دیدارها قراردادهای کلان اقتصادی به امضای طرفین رسید و مهمانان لیست بسیار متنوعی از مجموعه اقلام مورد نیاز هند را به دولت «مان موهان سینگ» نخست‌وزیر این کشور عرضه کرده‌اند. ظاهراً هند در موقعیتی قرار گرفته است که کانون ترانزیت و انتقال فرصت و قدرت تلقی می‌شود و به همین دلیل در دهلی به هیچ کدام از مهمانان «نه» گفته نشد. بازی زیرکانه هندی‌ها نیز که به نوعی تبلور سیاست ملی و خارجی آنان در جذب همکاری با قدرت‌های بزرگ است در این میان نقش تعیین‌کننده خود را ایفا کرده و فرش قرمز زیر پای همه «آمدگان» پهن شده و بدرقه گرم از همه «رفتگان» به عمل آمده است. تقارن و همزمانی تقریبی موج جدید هندی در مناسبات بین‌المللی از یک طرف این کشور را در مسیر کسب فرصت‌های بزرگ قرار داده و از طرف دیگر گوش به زنگی قدرت‌های بزرگ را برای عقب نیفتادن از قافله رقابت در یک محیط پذیرنده و در حال شکوفایی را در تقابل با محیط‌های بحرانی به رخ می‌کشد. همه آنانی که طی چند ماه گذشته رهسپار هند شده‌اند در یک نکته اشتراک نظر دارند و آن اینکه توان و قدرت پوششی دهلی تا به آن حد اهمیت دارد که همنشینی هر بزرگی با آن می‌تواند جایگاه هژمونیک و قدرت اقتصادی آنان را در رقابت با دیگران به میزان زیادی بهبود بخشد. هر چند این کشور در اتحاد واحد و یگانه با هر کدام از این قدرت‌ها می‌توانست تصویر یک قطب‌بندی ژئوپولتیک را ترسیم کند اما این قدرت نوظهور به درستی درک کرده است که استفاده و بهره همه‌جانبه از تمامی اضلاع قدرت بین‌المللی طی همکاری‌های متساوی‌الحقوق می‌تواند فرصت‌های به مراتب بیشتری را در اختیار آنان قرار دهد. این شرایط به رهبران دهلی امکان می‌دهد که در وضعیت ثبات ملی و تعامل بین‌المللی نسبت به انتخاب بهترین‌ها و بهره‌مندی بیشتر از قدرت رقابت در چارچوب عرضه گزینه از سوی طرف معامله دست بالا را داشته باشند.

سفر دوروزه مدودف در هفته اخیر به هند هر چند آخرین فصل این مهمانی صف‌بندان قدرت بین‌المللی به دهلی بوده است اما به لحاظی شاید بااهمیت‌ترین هم به حساب آید. روسیه و در گذشته شوروی سابق، در طول دوران پس از استقلال هند از استعمار بریتانیا، همواره نزدیک‌ترین متحد استراتژیک این کشور بوده است و تطابق منافع و اهداف راهبردی دو کشور در مناسبات بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای به این روابط دوجانبه داده است. برعکس دیگر مهمانان، روس‌ها برای بسط روابط خاص حتی در حوزه‌های نظامی- امنیتی با هند هیچ محدودیت و ملاحظاتی نداشته و به همین دلیل قادر به پاسخگویی به مطالبات این کشور در چیدمان جدید بین‌المللی خواهند بود. عقد قرارداد ۳۰ میلیارد دلاری برای شراکت در ساخت جنگنده‌های پیشرفته رادارگریز، قرارداد تاسیس دو نیروگاه هسته‌ای و حمایت رسمی مدودف از عضویت دائمی هند در شورای امنیت نشانه‌های آشکاری از این موقعیت ویژه است. سوابق تاریخی حسن همجواری و اتحاد استراتژیک در روابط بین کشورها، سرمایه غیرقابل انکاری است که هرگز نادیده گرفته نمی‌شود و به همین دلیل بیش از ۶۰ سال اتحاد استراتژیک بین دو کشور برگ برنده‌ای است که هم‌اکنون نیز حاشیه امنی برای تعمیق مناسبات میان آنان تلقی می‌شود. به همین دلیل بسط مناسبات با روسیه در ساخت سیاسی و اجتماعی هند با هیچ مانعی روبه‌رو نخواهد شد و تمامی جناح‌های سیاسی نسبت به این موضوع نظر مشترکی دارند. از همه مهم‌تر انطباق منافع بین دو کشور است که تقریباً در همه زمینه‌های راهبردی از سیکل مثبتی برخوردار بوده و نسبت فرصت‌ها در مقابل تهدیدات، همواره چربش محسوس خود را حفظ می‌کند. چنانچه قانون نسبیت‌گرایی در ارزیابی روابط دوجانبه بین هند با روسیه و دیگر قدرت‌های جهانی معیار سنجش قرار گیرد به یقین وضعیت مسکو در رقابت با دیگران در «موج هندی» کنونی ارجحیت خود را نشان خواهد داد. روسیه در طول تاریخ استقلال هند هرگز تهدیدی برای این کشور محسوب نشده است و در بیشتر مقاطع حتی به عنوان حامی اصلی دهلی در محیط بین‌المللی ایفای نقش کرده است. چنانچه این نظریه نزدیک به واقعیت در مناسبات بین‌المللی ملاک ارزیابی قرار گیرد که آینده در مسیر گردش به سمت «منطقه‌گرایی» رقم خواهد خورد، می‌توان پذیرفت روابط نزدیک دهلی با مسکو و تا حدودی پکن، اولویت بالاتری نسبت به بسط مناسبات دهلی با غرب پیدا می‌کند. همچنین از آنجا که این سه کشور در پیمان «شانگهای» به عنوان عضو و ناظر حضور اکتیو دارند و در مسیر منطقه‌گرایی هم‌عرض محسوب می‌شوند، چشم‌انداز عمق یافتن مناسبات میان آنان عینی‌تر از گزینه‌های دیگر است. هند به عنوان کشوری که در مسیر جهش توسعه قرار گرفته است با اقبال عمومی قدرت‌های جهانی نسبت به تعمیق مناسبات با این کشور، هم‌اکنون در موقعیت مطلوبی قرار گرفته است که از فرصت‌های موجود بهره و کامیابی کلان را نصیب خواهد برد و این رمز یک پیروزی بزرگ در محیط جدید بین‌المللی است.

خواب بی‌تعبیر هند در خلیج پارس

ماندانا تیشه‌یار*: پاییز امسال در دانشکده مطالعات بین‌الملل دانشگاه جواهر لعل‌نهرو هندوستان، که یکی از قدیمی‌ترین و معتبرترین مراکز مطالعاتی در حوزه مسائل سیاست خارجی و روابط بین‌الملل در شبه‌قاره به شمار می‌رود، نشستی علمی با حضور استادان و دانشجویان این دانشگاه پیرامون استراتژی نوین هند در منطقه خلیج پارس و احیای امپراتوری راج در این منطقه برگزار شد. سخنران اصلی این نشست سفیر رانجیت گوپتا از تحلیلگران بنام و دیپلمات‌های سرشناس هندی بود و خلاصه سخن او، نگاهی دیگرگونه به تاریخ روابط خارجی هند در سده‌های ۱۹ تا ۲۰ میلادی بود. مهم‌ترین ویژگی این نگرش نوین، نادیده انگاشتن حضور استعمار انگلیس در هندوستان و غارت منابع هند و بهره‌کشی از مردمان این سرزمین در این دوران بود. در واقع، تلاش سخنران بر آن بود تا به گونه‌ای به تفسیر تاریخ بنشیند که گویی انگلیسی‌ها به این کشور آمده بودند تا نقش کارگزاران هندی را برای اداره امور ایفا کنند و در واقع، اینان تنها گماشتگانی در خدمت امپراتوری راج در هند، برای پیش بردن منافع این کشور، به ویژه در عرصه روابط با سایر کشورها و مناطق بوده‌اند. این دیگر گونه، یا به بهتر سخن، بازگونه خواندنِ کتاب تاریخ، تا آنجا پیش رفت که حضور انگلستان در منطقَه خلیج پارس در آن دوران، به منزله حضور نمایندگان امپراتوری راج در این منطقه معرفی شد. بر این پایه، می‌شد حضور سربازان و کارگران هندی در خلیج پارس را نیز به امر دولتمردان هندی دانست و گزارش‌هایی را که از سوی نمایندگان کمپانی هند شرقی به کلکته ارسال می‌شد نیز فرستادن گزارش به دولت علیه هند خواند و به همین ترتیب جلو رفت و سرانجام به این نتیجه رسید که روزگاری نه چندان دور، هند تنها قدرت بی‌رقیب در خلیج پارسیان بوده است. و حالا این بازگشت به تاریخ، از آن جهت صورت گرفت تا تبیین‌کننده دیپلماسی جدیدی باشد که در ماه‌های اخیر در دستگاه سیاست خارجی هند جای خود را گشوده است. راهکاری که براساس این گونه نگرش به تاریخ به دست می‌آید و پیش روی سیاستگذاران دستگاه دیپلماسی هند گذاشته می‌شود، آن است که اگر امروز به منابع انرژی منطقه استراتژیک خلیج پارس نیازمندیم، چرا به دنبال احیای حضور تاریخی خود در این حوزه نباشیم و بار دیگر جای پای خود را در اینجا مستحکم نکنیم. و اگر با توجه به شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل، امکان گسترش مراودات با قدرت‌های بزرگ این منطقه، همچون ایران، وجود ندارد، پس باید به سراغ کشورهای کوچک منطقه رفت و همگام با تمهیدات بین‌المللی، نقش منجی این کشورها را در برابر تهدیدات احتمالی همسایه بزرگ‌تر ایفا کرد و تا دیر نشده، باید به هر طریق ممکن به دنبال راهی برای گسترش نفوذ خود در این منطقه برآمد که گفته‌اند: در دل دوست به هر حیله رهی باید کرد. شیوه‌ای که سخنران محترم در پیگیری روند سخنرانی خود در پیش گرفته بود، به خوبی نشان از چینشی هدفمند در صدر و ذیل سخن او برای رسیدن به هدفی مشخص داشت، که همانا حمایت از رویکرد نوین سیاستمداران هندی نسبت به منطقه خلیج پارس بود. با این همه، در بخش پرسش و پاسخ، فرصتی هرچند کوتاه، فراهم آمد تا نه به سخنران، بلکه به حضار که بیشتر دانشجویان دوره دکترای روابط بین‌الملل بودند، یادآوری شود ماموران انگلیسی در خلیج پارس در دو سه سده اخیر، نمایندگان دولت هند نبودند، آنان از سوی کمپانی هند شرقی و پس از آن، از سوی امپراتوری انگلیسی‌تبار راج در هند، موظف به اداره منافع انگلیس در این منطقه شده بودند و نه کمپانی هند شرقی و نه امپراتوری راج در هند، هیچ کدام نهادهایی هندی نبودند، هرچند نام هند را بر خود داشتند. در واقع، این کمپانی و آن امپراتوری، که هر دو زیر پرچم دولت فخیمه انگلستان بودند و وفادار به تاج و تخت سلطنت در آن کشور، ابزاری برای استثمار هندیان بی‌نوا، همچون بسیاری دیگر از مردمان سرزمین‌های آسیایی در آن روزگار به شمار می‌آمدند. بنابراین گزارش‌هایی که از منطقه خلیج پارس به کلکته ارسال می‌شد به دست سیاستمداران برجسته انگلیسی، همچون لرد کرزن می‌رسید و هندی‌ها در آن دوران شاید روحشان هم از محتوای این گزارش‌ها باخبر نبود. حتی حضور خیل گسترده سربازان و کارگران هندی که برای بیگاری و زندگی سخت و از سر ناچاری، توسط نیروهای انگلیسی یا خودخواسته، راهی کشورهای پیرامون خلیج پارس، چه در روزگار پیشین و چه امروز، شده‌اند نیز نمی‌تواند بیانگر عزت و عظمت هند در این منطقه باشد. در تحلیل علت این نوع رویکرد به تاریخ و سیاست در هند امروز، از منظری کلان، می‌توان گفت رویکرد اساسی حاکم بر دستگاه سیاست خارجی هند که طی دو دهه گذشته هندی‌ها را به سوی همراهی با قدرت‌های بزرگ بین‌المللی سوق داده است، مهم‌ترین دلیل تغییر جهت دادن هند از همسویی با متحدان دیرین به همراهی با روندها و همتایان نوپدید است. آنچه در بسیاری از کشورهای شرقی به عنوان غرب‌گرایی، و در نگاهی دیگر غرب‌زدگی، خوانده می‌شود، بیش از آنکه توده‌ها و حتی روشنفکران هند را تحت تاثیر قرار دهد، بر ذهنیت سیاستمداران هندی نقش بسته است. تلاش برای همراهی با سیاست‌هایی که از مغرب زمین دیکته می‌شوند با هدف استمرار و افزونی سرمایه‌گذاری خارجی از سویی و سعی برای مقابله با حضور رقبایی مانند چین و پاکستان در منطقه خلیج پارس از سوی دیگر و بالاخره، نیاز به تامین امنیت انرژی برای چرخاندن موتور تازه به حرکت‌درآمده توسعه در این کشور، موجب شده است سیاستمداران هندی داروی تمام دردهای خود را در اتخاذ این دیپلماسی نوین ببینند. از سوی دیگر، از منظر داخلی نیز شاید بتوان گفت این‌گونه وارونه‌نمایی تاریخ، بیانگر تلاش دولتمردان هندی برای نوعی هویت‌سازی ملی و ایجاد احساسات و غرور ملی‌گرایانه در میان توده‌ها و دور کردن ذهن آنها از واقعیت‌های جامعه‌ای است که به طور نامتوازن در حال توسعه است. بر این اساس، آنان در تلاشند تا نگاه‌ها را از دردهای داخلی معطوف به تلاش برای کسب جایگاه و پرستیژ در خارج از مرزهای هند و در عرصه نظام بین‌الملل کنند. اما این طور به نظر می‌رسد پیگیری این روند، نمی‌تواند تغییری در ماهیت واقعیت موجود در جامعه هند بدهد. به علاوه، این پرسش نیز مطرح است که نادیده گرفتن واقعیت‌های تاریخی برای تامین منافع کوتاه‌مدت، که موجب گسستن هندوستان از کشور قدرتمندی چون ایران در منطقه خلیج پارس خواهد شد، تا چه اندازه می‌تواند در کسب جایگاه مناسب بین‌المللی، منطقه‌ای و قاره‌ای برای هند مفید واقع شود؟ آیا راهبرد نوین هند در این منطقه از جهان، به سمت و سویی نمی‌رود که به خاطر رویکردهای سیاسی مقطعی، پیوندهای فرهنگی- هویتی دیرین و دیرپای خود با این منطقه را از دست دهد؟ به محاق بردن واقعیت‌های تاریخی، نمی‌تواند به افزایش غرور ملی منجر شود و انکار پیوندهای عمیق فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هزاران‌ساله میان هندوان و ایرانیان، نیز چاره دغدغه‌های امروز سیاستمداران هندی نیست. در طول مدت حضورم در سرزمین دوست‌داشتنی هندوستان، بارها از استادان و اندیشمندان برجسته این کشور شنیدم که بدون دانستن زبان و ادب پارسی، نمی‌توان به درستی به درک تاریخ و هویت و فرهنگ هندی نائل شد. واقعیت این است که اگر روزگاری هند وزنه‌ای در عرصه سیاست بین‌الملل بوده است، که چنین بوده، این مهم از راه اتخاذ سیاست‌های عزت‌طلبانه و مستقلانه سیاستمداران بزرگی چون جواهر لعل‌نهرو در قالب رویکرد «عدم تعهد» نسبت به قدرت‌های شرق و غرب جهان میسر شده بود. جایگاه و پرستیژ هند در عرصه روابط بین‌الملل، در طول بیش از هفت دهه استقلال این کشور، بیش از آنکه مدیون دنباله‌روی از سیاست‌های سایر قدرت‌های بین‌المللی باشد، برخاسته از رویکرد ارزش محور هندی‌ها به روابط میان جوامع انسانی در سراسر جهان بوده است؛ رویکردی که ریشه در فرهنگ و آیین‌های مداراجو و صلح طلب هندی دارد. در دورانی که ارزش‌ها و هویت‌ها در ساختن منافع ملت‌ها و دولت‌ها نقشی کلیدی ایفا می‌کنند، دولتمردان هندی به خوبی می‌توانند با الگو قرار دادن راهبردهای پیشین، جایگاهی در خور این کشور فراهم آورند. و امروزه، منطقه‌ای استراتژیک همچون خلیج پارس، برای آنکه تامین‌کننده امنیت انرژی مورد نیاز صنایع نوپای هند باشد، بیش از آنکه نیاز به دریافت اسلحه و کمک نظامی از سوی دولت هند داشته باشد، نیازمند گسترش اندیشه‌های صلح‌مدار و مداراجویانه فرهنگ هندی است. اندیشه صلح و دوستی میان ملت‌ها و راه‌های رسیدن به همزیستی مسالمت‌آمیز، مهم‌ترین کالایی است که هند می‌تواند به جهان امروز صادر کند و با آن، به قدرت و پرستیژ خود بیفزاید.

*** دکترای مطالعات بین‌الملل**

اتهام‌های جدید تیموشنکو

دادستان‌های اوکراین اتهام‌های جدیدی را علیه «یولیا تیموشنکو»، نخست‌وزیر پیشین این کشور مبنی بر فساد مالی او مطرح کردند.

به گزارش ایلنا به نقل از خبرگزاری فرانسه، یولیا تیموشنکو در گفت‌وگو با «اینترفکس» گفت: «آنها اتهام‌های جدیدی مبنی بر حیف و میل کردن حدود ۱۲۰ هزار دلار از سرمایه‌های ملی را علیه من مطرح کرده‌اند.» او گفت این مبلغ توسط دولت در اختیار بانک دولتی قرار گرفته است. بنا بر این گزارش، تیموشنکو در حالی به فساد مالی متهم شده که در صورت اثبات این اتهام‌ها وی حداقل به ۱۰ سال زندان محکوم خواهد شد. تیموشنکو جمعه اعلام کرد مقام‌های اوکراین یکی دیگر از وزرای دولت پیشین او را بازداشت کرده‌اند. نخست‌وزیر پیشین اوکراین در جمع خبرنگاران گفت: «امروز دارند با تمامی کسانی که آنها را از درآمدهای مشکوک و سودهای حاصل از کلاهبرداری محروم کردند، برخورد می‌کنند.» تیموشنکو که همواره تمامی اتهام‌ها مبنی بر فساد مالی و سوءاستفاده از قدرت را رد کرده است پس از متهم شدن به سوءاستفاده ۳۸۰ میلیون یورویی در زمان زمامداری خود در حبس خانگی به‌سر می‌برد.

نیم‌نگاه

اوباما درصدد ترمیم کابینه‌اش است

روزنامه نیویورک‌تایمز گزارش داد رئیس‌جمهور امریکا قصد دارد در کابینه‌اش تغییرات چشمگیری اعمال کند. این روزنامه امریکایی در این گزارش خود اعلام کرد باراک اوباما رئیس‌جمهور امریکا همزمان با اینکه توجه‌ها به انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۲ معطوف شده است، قصد دارد اولین تغییرات چشمگیر را در کابینه‌اش در اوایل ژانویه پس از بازنگری طرح ترمیم کابینه‌اش طی تعطیلات کریسمس اعمال کند. به گزارش آسوشیتدپرس، ترمیم کابینه باراک اوباما در حالی انجام خواهد شد که حزب جمهوریخواه کنترل مجلس نمایندگان امریکا را در دست دارد و دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره کرسی‌های بیشتری را به جمهوریخواهان دادند.

تغییرات و جانشینان احتمالی

دیوید اکسلرود مشاور ارشد در حال کناره‌گیری باراک اوباما به نیویورک‌تایمز گفت این تغییرات را نمی‌توان تغییرات گسترده و کلی توصیف کرد اما تغییرات چشمگیری در کابینه اوباما اعمال خواهد شد. گفته می‌شود رابرت گیبس مشاور مطبوعاتی کاخ سفید احتمالاً سمت جدیدی در کاخ سفید خواهد گرفت و اوباما قصد دارد جانشینی برای لارنس سامرز به عنوان مدیر شورای ملی اقتصاد امریکا تعیین کند. همچنین نیویورک‌تایمز اعلام کرد گفته می‌شود رابرت گیتس وزیر دفاع امریکا

نیز سال آینده این پست را ترک خواهد کرد. دیوید پلاف که پیشتر مسوولیت‌های ارشدی در کمپین انتخاباتی اوباما داشت قرار است جانشین دیوید اکسلرود به عنوان مشاور ارشد سیاسی اوباما شود. این احتمال نیز وجود دارد که بیل برتون سخنگوی جوزف بایدن معاون اوباما به عنوان مشاور مطبوعاتی کاخ سفید منصوب شود. نیویورک‌تایمز در ادامه گزارش خود اعلام کرد این ترمیم کابینه از سوی اوباما با هدف تقویت کابینه او پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۲ انجام می‌شود.

با روی کار آمدن جمهوریخواهان در مجلس نمایندگان امریکا و به دست آوردن کرسی‌های بیشتر در سنای امریکا، اوباما همچنان نگران افزایش قدرت جمهوریخواهان پیش از انتخابات سال ۲۰۱۲ است و تلاش می‌کند با انتخاب افراد کارآمد در کابینه‌اش قدرت دموکرات‌ها پیش از انتخابات سال ۲۰۱۲ را افزایش دهد تا امیدها برای دموکرات‌ها در انتخابات سال ۲۰۱۲ افزایش یابد.

منبع: ایسنا